

سرنوشت‌ساز هستند. در این وضعیت اگر ما به جای توجه به این تحولات و پیشرفت‌ها سرگرم موضوعات درجه دوم در منطقه باشیم، طبیعی است که دستاوردی نخواهیم داشت و چه بسا در زمان بسیار کوتاهی منافع ملی و جایگاه خود را در منطقه از دست خواهیم داد. الان زمانی است که جمهوری اسلامی ایران باید دقت زیادی به خرج دهد تا نقش خود در منطقه و جهان را درست تعریف کند. ثانیه‌های این دوره با ثانیه‌های دهه گذشته متفاوت است. باید مراقب بود و نباید از تحولات عقب افتاد؛ یادمان باشد نمی‌توان با ابزار جنگ‌های گذشته، به جنگ‌های آینده ورود کرد. آنها که از ابزار گذشته برای حل مشکلات آینده بهره گرفتند، شکست خوردند. ما با جهان و منطقه متحول از جهات گوناگون روبه‌رو هستیم. مرهم‌های گذشته برای درد زخم‌های تازه نیست...

◀ در حال حاضر برآیند تحولات سیاسی و آنچه در رسانه‌ها درباره شرایط ایران و وضعیت نظم غرب آسیا منتشر می‌شود کمی متناقض است. از سویی شاهد ارتباط خوب بین ایران با قدرتهای منطقه‌ای در جهان عرب از جمله عربستان و مصر هستیم و از سوی دیگر تحلیل‌ها و خروجی رسانه‌ها اذعان دارند که ایران جایگاه خود را در منطقه از دست داده است. چطور ممکن است که وقتی که یک کشور در موقعیت دیگری قرار گرفته، بقیه قدرت‌ها تمایل به تحکیم روابط با آن داشته باشند؟

برخی از کشورهای منطقه با شورهای به نوعی با ما رفت و آمد دارند و گفت‌وگو می‌کنند، ممکن است که از وضعیت نه جنگ نه صلح و وضعیت تحریمی فعلی ناراحت نباشند و حتی برای برخی از آنها این وضعیت مطلوب باشد. با این حال، بسیاری از آنها از اینکه جنگی در منطقه صورت بگیرد نگران هستند. بنابراین باید بین این دو دسته از کشورها تفاوت قائل شد. کشورهایی هستند که از تنش بین ایران و آمریکا و بحران و تحریمی که وجود دارد استقبال می‌کنند چون آسیبی به آنها نمی‌رسد؛ کشورهایی هم هستند که واقعاً نگران این تنش هستند. به هر حال غرب آسیا یک مجموعه است و طبیعی است که وقتی تنش بین ایران و آمریکا از یک حد بالاتر برود و خدای نکرده به سمت جنگ سوق پیدا کند، کشورهای منطقه نیز آسیب می‌بینند.

ولی در این بین هستند بازیگرانی مثل رژیم صهیونیستی که همواره به دنبال تخریب روابط هستند. اسرائیل نقشش این است که همواره به دنبال ایجاد فتنه

بین کشورهای اسلامی همسایه و حتی کشورهای غیر اسلامی که با ما روابط خوبی دارند، است. صهیونیست‌ها به دنبال این هستند که دیگر کشورها نسبت به ایران احساس ترس داشته باشند. این چیزی است که تحت عنوان ایران هراسی و امنیتی‌سازی علیه ایران تعریف می‌شود و در واقع به عنوان یک نقشه و راهبرد پیش روی آنها است.

◀ آقای دکتر با توجه به این کشاکش ارتباطی که بین ایران و کشورهای غرب آسیا وجود دارد سؤال اینجاست که منافع ایران در غرب آسیا چیست؟

خیلی مشخص است که ایران براساس ظرفیت‌های کلان خود به دنبال توسعه همکاری‌هایش با کشورهای منطقه، ارتباط متقابل بر پایه احترام و تأمین منافع تمام کشورهای همسایه است.

از این رو ایران همواره یک سیاست اصولی در منطقه داشته و آن احترام به حق حاکمیت کشورها، حفظ تمامیت ارضی آنها و مخالفت با مداخله قدرت‌های خارج از منطقه در امور منطقه است. در این چهارچوب ایران سعی دارد تا روابط اقتصادی و سیاسی و امنیتی خود را با همسایگانش در جهان اسلام و غرب آسیا تعریف کند.

◀ سوال قبلی را از این جهت طرح کردم چرا که جدیداً از سوی برخی تحلیلگران و اساتید گزاره‌هایی مطرح می‌شود تحت این عنوان که حوزه نفوذ یا عرصه نفوذ ایران می‌تواند نگاه به شرق و حوزه تمدنی خودش در تاجیکستان و افغانستان و مناطق فارسی‌زبان باشد و بهتر است که مداخله کمتری در تحولات غرب آسیا داشته باشد. همچنین برخی دیگر صراحتاً تأکید دارند که پس از تحولات ۷ اکتبر ایران می‌تواند در کنار موضوع هسته‌ای، بحث‌های منطقه‌ای را



در این وضعیت اگر ما به جای توجه به این تحولات و پیشرفت‌ها سرگرم موضوعات درجه دوم در منطقه باشیم، طبیعی است که دستاوردی نخواهیم داشت و چه بسا در زمان بسیار کوتاهی منافع ملی و جایگاه خود را در منطقه از دست خواهیم داد

هم در مذاکرات احتمالی با آمریکا روی میز داشته باشد. در سوی مقابل این گفتمان هم وجود دارد که منطقه غرب آسیا کماکان جزئی از عرصه بازآرندگی ماست و منافع ملی و امنیت ملی ما را تأمین می‌کند. نظر شما در این باره چیست؟

اول اینکه آنچه تحت عنوان مداخله ایران در منطقه مطرح می‌شود گزاره غلطی است. ایران همواره بر حق حاکمیت کشورها صحنه گذاشته و احترام به این حق جزو خطوط قرمز ما بوده است. اما اگر منظور از مداخله همکاری ایران با دولت عراق و سوریه در برابر تروریست‌ها و داعش است، این اقدام نیز با درخواست رسمی دولت‌های وقت عراق و سوریه انجام شد و آنها از ایران کمک خواستند که در این عرصه ایران به آنها کمک کند. هر مورد دیگری نیز که بتوان به عنوان مثال در نظر گرفت حتماً این قاعده در آن رعایت شده که دولت وقت و نظام مشروع حاکم درخواست رسمی خود را برای اینکه از کمک ایران بهره‌مند شود ارائه کرده است.

◀ این در مورد لبنان هم صدق می‌کند؟ ببیند متأسفانه به دلیل عدم اطلاع‌رسانی درست، جامعه ما درباره راهبرد ایران دچار یک خطای شناختی شده است. درباره لبنان اگر منظور شما حمایت ما از مقاومت لبنان و حزب‌الله لبنان است در وهله اول باید گفت که اساساً مقاومت یک امر ملی و مربوط به نیروهای درون‌زای کشورهای منطقه است.

نکته مهم‌تر اینکه عطف به سؤال قبلی شما، اینکه برخی فکر می‌کنند که به اصطلاح گروه‌های مقاومت جزئی از ساختار بازآرندگی ما هستند، این اشتباه است. حال این تصور از جانب هر کسی که می‌خواهد باشد، حتی اگر کسی در داخل کشور هم چنین تصوری بکند، به نظر من برداشت نادرستی از وضعیت است. این برداشت اشتباه از واقعیت سبب خواهد شد تا تصمیمات اشتباه نیز اتخاذ شود. مقاومت جزئی از منظومه بازآرندگی ما نبوده که لطمه به آن به لطمه بازآرندگی ما باشد.

مقاومت مورد حمایت ما بوده ولی در تصمیم‌گیری و اجرا مستقل از ایران اقدام می‌کند. کما اینکه عملیات ۷ اکتبر، نه تنها به سفارش ما نبود، بلکه با علم ما نیز صورت نگرفت.

آن چیزی که به اصطلاح به عنوان تئوری ما از بحث مقاومت بوده، این است که مجموعه‌های داخلی هر کشور بتوانند در مقابل تجاوز و سلطه بیگانگان ایستادگی کنند. یعنی اینها مجموعه‌های مستقلی از جمهوری اسلامی ایران هستند. ولی